

کسر بدهی از مزایای غیرمستمر کارمندان ممنوع شد

با رأی هیات عمومی دیوان عدالت اداری، کسر بدهی از مزایای غیرمستمر کارمندان دولت اعم از پاداش، فوق‌العاده‌های غیرمستمر و سایر پرداخت‌های خارج از حکم کارگزینی ممنوع شد. در دنیای امروز موضوع کسر بدهی‌ها از حقوق کارگران و کارمندان به یکی از چالش‌های بزرگ در محیط کار تبدیل شده است. این مسأله نه‌تنها بر معیشت و رفاه مالی افراد بلکه در سلامت روانی آنها نیز اثرگذار است.

طبق قوانین کار، کارگران حق دارند از حقوق و مزایای خود بدون هیچ‌گونه کسر اضافه بهره‌مند شوند، از این رو کسر بدهی‌ها تنها در شرایط خاص و با رضایت کارمند و کارگر قابل انجام است. بر اساس قوانین، میزان کسر از حقوق کارگران و کارمندان باید به گونه‌ای باشد که زندگی روزمره آنها تحت تأثیر قرار نگیرد. به طور معمول حداکثر میزان کسر بیش از یک‌چهارم حقوق ماهانه نمی‌تواند باشد. دستگاه‌های اجرایی دیگر مجاز به برداشت مبالغ بدهی کارکنان از محل پاداش، فوق‌العاده‌های غیرمستمر و پرداخت‌های مشابه نخواهند بود. شاکي با این استدلال که صرفا امکان کسر از حقوق و مزایای مستمر وجود دارد و کسر از مزایای غیرمستمر وجاهت قانونی ندارد، به دیوان عدالت اداری شکایت کرد و هیات عمومی دیوان نیز با بررسی موضوع و استعلام نظر شورای نگهبان، اعلام کرد بر اساس نظریه این شورا، پرداخت بدهی افراد از محل مزایای غیرمستمر، خلاف موازین شرع محسوب می‌شود لذا با استناد به رأی صادره از این پس دستگاه‌های اجرایی مجاز به برداشت مبالغ بدهی کارکنان از محل پاداش، فوق‌العاده‌های غیرمستمر و پرداخت‌های مشابه نخواهند بود.

اصلاح نظام اداری دولت چهاردهم در دستور کار است

رئیس امور برنامه‌ریزی و نوآوری اداری سازمان اداری و استخدامی کشور گفت: شوراهای راهبری تحول نظام اداری نقش اتاق فکر اصلی را در اجرای برنامه اصلاح نظام اداری دولت چهاردهم بر عهده دارند.

محمد ذاکری در نخستین نشست مشترک روپداد نظام اداری، با اشاره به موضوع ماموریت و وظایف شورای راهبری تحول اداری، گفت: با تصویب و ابلاغ برنامه اصلاح نظام اداری دولت چهاردهم در دی سال گذشته، فرآیند اصلاح برنامه‌های اداری و اجرایی در دستو کار قرار گرفت که نخستین موضوع آن اصلاح سازمان اداری بود.

وی افزود: بنابراین تلاش شد با تعیین برنامه سهم نقش هر بخش مشخص شود که هزمان برنامه اجرای اداری ۴ رکن، شورای عالی اداری، سازمان اداری استخدامی، شوراهای راهبری و معاونت توسعه مدیریت و منابع دستگاه‌های اجرایی دارد که شورای راهبری نقش اتاق فکر اصلی در اجرای برنامه اصلاح نظام اداری بر عهده دارد.

رئیس امور برنامه‌ریزی و نوآوری اداری سازمان اداری و استخدامی خاطر نشان کرد: انتظار می‌رود پس از تصویب این برنامه نظارت و پایش جدی در دستور کار شورای راهبری تحول اداری قرار بگیرد. در رابطه با شوراها انتظار است برنامه از ۲ مسیر کمیته‌های پنجگانه ذیل شورا و میزهای تخصصی دستگاه‌های اجرایی که تاکنون بیش از ۳۰ جلسه برگزار شده است، دنبال شود که مجموع این اقدامات به یک مشارکت جدی در برنامه اصلاح نظام اداری منتهی خواهد شد.

ذاکری در ادامه گفت: اخیرا نمایندگان استان‌ها در این شورا نیز مشخص شده که می‌تواند به افزایش ظرفیت در اصلاح برنامه‌نظام اداری در سطح استان‌ها منجر شود.

وی در پایان تأکید کرد: یکی دیگر از اهداف ما موضوع انتقال تجارب و الگوها در برنامه نظام اداری است تا بتوانیم گامی مهم در فرآیند اصلاح نظام اداری کشور برداریم.

پیش‌فروش سکه در راه‌است

طبق اعلام بانک مرکزی، به‌زودی پیش‌فروش انواع سکه طلا ضرب بانک مرکزی توسط مرکز مبادله انجام می‌شود که سررسید تجویل آنها برای ۳۰ آذر، ۳۰ دی، ۳۰ بهمن و ۲۸ اسفندماه ۱۴۰۴ می‌کند.

به‌زودی پیش‌فروش انواع سکه طلا ضرب سال‌های ۱۳۸۶، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۴ با سررسیدهای ۳۰ آذر، ۳۰ دی، ۳۰ بهمن و ۲۸ اسفندماه ۱۴۰۴ از طریق مرکز مبادله ارز و طلای ایران انجام می‌شود. بانک مرکزی اعلام کرده در راستای ایفای نقش ذاتی و قانونی این بانک به منظور تأمین عرضه سکه و پاسخگویی به تقاضای مردم عزیز ایران، بانک مرکزی از طریق مرکز مبادله ارز و طلای ایران اقدام به پیش‌فروش قطعی انواع سکه طلا ضرب سال‌های ۱۳۸۶، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ با سررسیدهای ۳۰ آذر، ۳۰ دی، ۳۰ بهمن و ۲۸ اسفندماه ۱۴۰۴ می‌کند. همچنین متقاضیانی که در مراحل قبلی پیش‌فروش موفق به خرید سکه شده‌اند نیز می‌توانند در این مرحله شرکت کنند و جزئیات بیشتری این طرح از طریق سامانه مبادله ارز و طلای ایران اعلام می‌شود.

گفتنی است از اواخر سال گذشته مرکز مبادله ارز و طلای ایران از سوی بانک مرکزی طی ۳ مرحله به پیش‌فروش سکه طلا اقدام کرد که مرحله اول آن طی ۳ روز (۲۸ تا ۳۰ بهمن) برگزار شد، مرحله دوم در ۱۱ اسفندماه و مرحله سوم در مورخ ۲۰ و ۲۱ اسفندماه گذشته برگزار شد که در مجموع نزدیک به ۸۰۰ هزار قطعه انواع سکه طلا ضرب بانک مرکزی از سوی متقاضیان خریداری شد.



از نبود بلیت باوجود کاهش تقاضا تا افزایش سرسام آور قیمت بلیت‌ها؛ سازمان هواپیمایی کجاست؟

بازار داغ دلالی بلیت اربعین

بازار داغ دلالی بلیت اربعین

کشور، نه‌تنها وظیفه پیش‌بینی و تأمین ظرفیت را دارد، بلکه باید با نظارت فعال، سیاست‌گذاری عدالت‌محور و مقابله جدی با سودجویی، مسیر زیارت را برای همه هموار سازد.

توسعه فیزیکی بدون عدالت اجتماعی، تنها به نارضایتی و محرومیت بیشتر می‌انجامد. اکنون که تجربه سال جاری بار دیگر ضعف‌های ساختاری را آشکار کرده، انتظار عموم این است وزارت راه و شهرسازی به جای صدور اطلاعیه‌های کلی، به فکر اصلاح فرآیندها باشد. سفر اربعین تنها یک مأموریت لجستیکی نیست. با وجود همه دشواری‌ها، هنوز کورسوی امیدی در دل زائران روشن است. سخن از نهادهایی است که با درک عمق معنویت سفر اربعین، تلاش می‌کنند کمی از فشارهای اقتصادی و روانی بکاهند؛ ایرلاین‌هایی که ظرفیت‌های ویژه برای گروه‌های خاص اختصاص می‌دهند، سازمان‌هایی که به‌رغم محدودیت‌ها، در پی تسهیل سفرند.

البته برخی کارزارهای حمایتی مردمی شکل گرفته تا زائران کم‌برخوردار در حسرت زیارت نمانند؛ حرکت‌هایی کوچک اما بی‌نهایت تأثیرگذار، چون قطره‌هایی که آرام‌آرام دریاى خدمت و مهربانی را پسر می‌کنند. هر قدمی که برداشته شود از شفاف‌سازی نحوه فروش بلیت گرفته تا ایجاد زیرساخت‌های بهتر حمل‌ونقل، نه فقط مشکلی را حل می‌کند، بلکه بستر ساز تحول فرهنگی و اخلاقی است.

است. بر اساس آمار رسمی، سال ۱۴۰۳ نزدیک به ۱۱۰ هزار صندلی پروازی برای جابه‌جایی زائران اربعین در مسیرهای نجف و بغداد در نظر گرفته شده بود. این عدد با ورود مجدد هواپیماهای MD و افزایش تعداد پروازها در سال ۱۴۰۴ به بیش از ۱۳۰ هزار صندلی رسیده است. در حالی که نسبت تقاضا به ظرفیت در سال جاری برای خرید بلیت هوایی تفاوت چندانی با سال گذشته نداشته، انتظار می‌رفت وزارت راه و شهرسازی با تکیه بر تجربه سال قبل، تمهیدات مؤثرتری برای مدیریت بهتر این روند اتخاذ کند اما متأسفانه نه خبری از بهبود سامانه‌های فروش است نه راهکاری برای مقابله با بازار سیاه و نه نظارت مؤثری بر نحوه توزیع پروازها در استان‌ها.

آیا افزایش تعداد پروازها بدون برنامه‌ریزی درست، می‌تواند پاسخگوی نیاز مردم باشد؟ چرا تدابیری نظیر تخصیص سهمیه‌های عادلانه، پیش‌فروش مرحله‌ای، یا نظارت میدانی بر دفاتر فروش اتخاذ نشد؟

افزایش ظرفیت ناوگان در نبود کنترل بر روند فروش بلیت تنها به بیشتر شدن حجم بازار سیاه انجامیده است. بازرانی که در بازه فروش رسمی موفق به خرید بلیت نمی‌شوند، ناچارند به دفاتر آزاد و نرخ‌های چندبرابری روی بیاورند. گویی تصمیم‌گیرندگان تنها روی آمار تمرکز کرده‌اند، بی‌آنکه به چگونگی بهره‌برداری مردم از آن بیندیشند.

وزارت راه و شهرسازی به عنوان متولی حمل‌ونقل

۴۰۴۰۶۴۶ در اختیار مردم قرار گرفته تا صدای اعتراض‌شان شنیده شود. اما پرسشی باقی است: آیا گزارش مردم می‌تواند در مقابل چرخ‌دنده‌های بازار سیاه ایستادی کند؟ شروع فروش بلیت با قطعی‌های مکرر سامانه‌ها همراه شد. ظرفیت‌ها ظرف دقایقی پر شد و بسیاری از زائران حتی فرصت ورود به مرحله خرید را نیافتند. البته پس از ماهه توقف، مجوز استفاده از هواپیماهای MD در مسیر نجف صادر شد؛ اقدامی که طبق گفته مسؤولان، ظرفیت پروازها را تا ۱۰۰ هزار صندلی افزایش می‌دهد و دلالی و بازار سیاه را برمی‌چیند. ناصر رضایی، سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری از ادامه مذاکرات با طرف عراقی برای بهره‌برداری کامل از این ظرفیت خبر داد اما هنوز تأیید کتبی طرف مقابل دریافت نشده و ماجرا در حالت تعلیق مانده است.

کارشناسان حمل‌ونقل هوایی راه‌حل‌هایی را مطرح کرده‌اند: از افزایش تعداد پروازها و توزیع عادلانه ظرفیت‌ها تا طراحی سامانه‌های پایدار و رزرو هوشمند؛ پیشنهادهایی که در صورت اجرای کامل، می‌توانند از گسترش بازار سیاه و فشار اقتصادی بر زائران جلوگیری کنند.

البته نباید نادیده گرفت در شرایطی که به نظر می‌رسد تعداد متقاضیان پرواز به بغداد در اربعین مشابه سال گذشته است اما وزارت راه و شهرسازی هیچ‌گونه تدبیری برای تسهیل تردد زائران نیندیشیده

گروه اقتصادی: همچون هر سال در آستانه اربعین حسینی، شور زیارت کربلا در دل میلیون‌ها عاشق موج می‌زند. دل‌هایی که ماه‌است برای رسیدن به حرم سیدالشهدا(ع) بی‌قرارند، اکنون در آستانه سفر، با مانعی تلخ روبه‌رو شده‌اند؛ بازار سیاه بلیت هواپیما، در حالی که قیمت رسمی بلیت تهران – بغداد برای رفت‌وبرگشت حدود ۱۳ میلیون تومان اعلام شده، برخی ایرلاین‌ها بهایی تا سقف ۱۹ میلیون تومان مطالبه می‌کنند. حتی مودی از فروش بلیت به قیمت سرسام‌آور ۲۳ میلیون تومان گزارش شده است.

در حالی که سازمان هواپیمایی کشوری نرخ‌های مشخصی را اعلام کرده بود، مانند مسیر تهران – نجف با رقم ۶،۵ میلیون تومان یک‌طرفه و مجموع ۱۳ میلیون تومان رفت و برگشت اما در عمل این قیمت‌ها تنها روی کاغذ ماندند. بسیاری از زائران با نرخ‌هایی بین ۱۹ تا ۲۳ میلیون تومان مواجه شده‌اند؛ رقمی دور از توان بسیاری از خانواده‌ها.

طبق مقررات ستاد اربعین، تنها از ۱۷ تا ۲۶ مرداد نرخ‌های مصوب اعتبار دارند و پس از آن ایرلاین‌ها می‌توانند بهای آزاد اعمال کنند. این بازه زمانی محدود، فضای رقابتی ناعادلانه‌ای را ایجاد کرده که در آن تنها زائران خوش‌شانس یا پردرآمد می‌توانند به بلیت دست یابند. در این میان، سازمان هواپیمایی کشور از مردم خواسته تخلفات را گزارش کنند؛ راه‌هایی چون سامانه حقوق مسافر، شماره تماس ۴۷۲۲۶۶ و شماره پیامکی

متهم کمبود نیروی کار کیست؟

وضعیت تقاضا برای کار تا چه اندازه به سهم دستمزد از هزینه تمام شده تولید صنعتی مرتب است



در نتیجه تضعیف تولید و اشتغال شده‌اند. سرکوب دستمزدها در چنین شرایطی نه تنها راه‌حل نیست، بلکه عدم رشد جدی دستمزد کارگر مشکلات پولی را با توسعه اقتصاد در سایه مخرب در کشور تشدید می‌کند.

■ **نقدی بر نظریه مارییج تورم – دستمزد** برخی درباره میزان دستمزدهای کارگری به نظریه مارییج تورم – دستمزد استناد می‌کنند؛ نظریه‌ای که بیان می‌کند رشد تورم باعث رشد دستمزدها شده و همین خود دوباره تورم خلق می‌کند و این چرخه معیوب تکرار می‌شود. اما نکته این است که این نظریه در شرایط خاصی صادق است که هیچ یک از آنها در اقتصاد ایران جاری نیست: ۱- **سهم نیروی کار به عنوان یکی از نهادهای تولید در هزینه تولید بالا باشد؛** در حالی که این نسبت در اقتصاد ایران متوسط حدود ۵ الی ۱۲ است. با این سهم ناچیز، افزایش دستمزدها نمی‌تواند به طور معنی‌داری بر تورم کل تأثیر گذار باشد. ۲- **اقتصاد با شرایطی نزدیک به اشتغال کامل مواجه باشد؛** در حالی که اقتصاد ایران شدیداً از افزایش شوم اشتغال ناقص عوامل تولید (یعنی عدم استفاده از همه ظرفیت‌های تولیدی) در محل سقوط مصرف رنج می‌برد. اشتغال ناقص عوامل تولید گسترده است، افزایش دستمزدها به جای دامن زدن به تورم، می‌تواند به افزایش قدرت خرید و تحریک تقاضا منجر شود.

۳- **خانوار تا مرز حداکثر مطلوبیت خود مصرف کند؛** در حالی که اقتصاد ایران گرفتار مصرف نامکفی خانوار به دلیل فشارهای هزینه است. خانوارهای ایرانی به دلیل کاهش قدرت خرید، مصرف خود را تعدیل کرده‌اند و فضایی برای افزایش تورم ناشی از افزایش تقاضای ناشی از افزایش دستمزدها وجود ندارد.

۴- **نسبت پس‌انداز به درآمد در سطح قابل توجهی بالا باشد و نسبت بدهی به درآمد پایین؛** در حالی که در اقتصاد ایران دقیقاً برعکس است. خانوارهای ایرانی به دلیل تورم بالا و کاهش ارزش پول، توان پس‌انداز ندارند و برای تأمین حداقل معیشت، مجبور به افزایش بدهی‌های خود هستند.

باید درک شود که تداوم این شرایط تمام عوارض فوق را تشدید می‌کند و اقتصاد زیرزمینی را توسعه می‌دهد.

■ **آیا افزایش دستمزد کارگری می‌تواند باعث افزایش هزینه**

زیرزمینی را تقویت می‌کند. این چرخه معیوب، نه‌تنها به حل مشکل کمک نمی‌کند، بلکه آن را پیچیده‌تر می‌سازد.

■ **عواقب میزان دستمزدهای کارگری: از کار داریم اما کارگر نه! تا رونق اقتصاد غیررسمی**

سرکوب دستمزدهای کارگری عواقب وخیمی برای اقتصاد و جامعه در پی دارد:

– **کار داریم اما کارگر نه:** این گزاره که بارها از سوی تولیدکنندگان شنیده می‌شود، به وضوح نشان‌دهنده شکاف جدی درآمد –هزینه‌برای کارهای رسمی است.وقتی دستمزدها کفاف حداقل زندگی را نمی‌دهد، تمایلی برای حضور در بازار کار رسمی وجود ندارد.

– **مهاجرت نیروی کار از صنعت و کشاورزی به خدمات (مثل تاکسی‌های اینترنتی؛** نیروی کار به طور طبیعی به سمت حوزه‌های جذب می‌شود که درآمد و شرایط بهتری را ارائه می‌دهند. این وضعیت منجر به تخلیه بخش‌های مولد از نیروی کار و انتقال آنها به بخش خدمات، عمدتاً در مشاغل غیررسمی می‌شود.

■ **رونق اقتصاد غیررسمی (دلالی، سفته‌بازی، نوسان‌گیری و...) و رکود بخش حقیقی و شفاف اقتصاد:** میزان دستمزدها، جذابیت فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه را افزایش می‌دهد. افراد به جای سرمایه‌گذاری در تولید و اشتغال‌زایی به سمت دلالی و سفته‌بازی رو می‌آورند که نقدینگی را جذب کرده و تورم دامن می‌زند، در حالی که بخش حقیقی اقتصاد دچار رکود می‌شود. مع‌الاف این وضعیت می‌تواند به نارضایتی‌های گسترده‌تر اجتماعی و بحران‌های سیاسی منجر شود.

■ **نتیجه‌گیری:** کمبود نیروی کار در صنعت ایران یک معضل چندوجهی است که ریشه‌های عمیق‌تری از آنچه سطحی‌نگرانه به آن پرداخته می‌شود، دارد. نباید آدرس غلط داد و مشکلات را به عواملی نظیر بازگشت مهاجران افغانستانی نسبت داد. علت اصلی، عدم تمایل جوان ایرانی به کار در صنعت به دلیل دستمزدهای ناچیز و ناکافی است که تنها بخش کوچکی از هزینه تمام‌شده تولید را شامل می‌شود. نیروی کار ایرانی با دستمزد پایین قابل استثمار نیست و نظام دستمزدها باید اساسی متحول شود.

هزینه بالای تأمین مالی برای بخش مولد، که خود ناشی از سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی و نه دستمزدهای کارگران است، مزید بر علت شده است. نظریه مارییج تورم – دستمزد نیز در شرایط فعلی اقتصاد ایران و با سهم ناچیز دستمزد در هزینه‌های تولید، فاقد اعتبار است. افزایش دستمزدها نه‌تنها عامل تورم نیست، بلکه می‌تواند با افزایش قدرت خرید خانوار و تحریک تقاضا، به رونق بیشتر اقتصاد و خروج آن از رکود کمک کند. تعدیل نیروی کار نیز عمدتاً ناشی از نوسانات ارزی، مشکلات سرمایه در گردش و مصرف نامکفی خانوار است. در نهایت، وضعیت فعلی دستمزدهای کارگری تنها به تشدید مشکلات دامن می‌زند؛ اقتصاد زیرزمینی را تقویت می‌کند، نیروی کار را از بخش‌های مولد به سمت فعالیت‌های غیررسمی سوق می‌دهد و پیامدهای ناگواری در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی خواهد داشت. برای برون‌رفت از این وضعیت، لازم است با درک صحیح از ریشه‌های مشکل، سیاست‌های جامع و تحول‌آفرین در حوزه دستمزدها، تأمین مالی و حمایت از تولید در پیش گرفته شود.